

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)

(عنوان مراسلات)

طهران خیابان لاله زار
نامب مدیر میرزا سید حسن کاهانی
دبیر ادارہ آقا شیخ یحیی کاهانی

پہراز روزهای جمعه همه روزہ
طبع و توزیع میشود

یومیہ

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانہ

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخلہ ۳۵ قران
روسہ و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجہ ۳۰ قران

(قیمت یک نسخه)
در طهران صد دینار
سایر بلاد ایران صد شاهی است

قیمت اعلان مطری

دو قران است

روزنامه یومیہ ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعہ

با امضا قبول و در انتشارش ادارہ آید است

دوشنبہ ۶ رمضان المبارک ۱۳۳۵ ہجری قمری و ۲۷ مہرمہ جلالی ۱۲۹ و ۱۱۴ اکتبر ۱۹۰۷ میلادی

تعیین وظائف ضروریہ

(از شمارہای گذشتہ)

گفتیم دول اروپا از برای رسوخ و تسخیر یک مملکتی چندین جیل کار میبرند و بحسب اقتضای هر قطعه اسمی میگزارند اما بنام انسانیت و تمدن کہ شرحشرا در نمرات سابقہ بمعرض رسانیدیم و حاجت تکرار و تذکار نیست ، دویم باسم اغتشاش یا انقلاب اغتشاش عبارت است از اختلال نظم و نرفتن رعایا زیر بار قانون انقلاب هورشی است ملی برضد دولت برای گرفتن حقوق خود از دولت اولیرا در فرانسہ (نزد) و ثانی را (رولو سیون) مینامند ، دول اروپا چون در یک مملکتی مشاهده انقلاب یا اغتشاش نمودند بسا میشود کہ بنام استقرار نظم و امنیت قشون وارد کردہ حالا مدتی مقرر شدن نظم و رفع اختلال دیگر خدا میداند چه وقت لشکر خود را از آنجا خارج کنند بقول مردم وقتی قائم مقام از باغ بیرون بیاید آنها نیز قشون را مراجعت میدهند و ابدأ در این خصوص احوال بارل و نوشتجات و سندات آنها محل اعتبار نیست زیرا کہ برای العین دیدیم کہ انگلیس بنام رفع آشوب احمد اعرابی قشون وارد مصر نمود و ملتزم شد کہ هر وقت مملکت مصر در تحت نظم درآمد و شورش مرتفع کرد فوراً قشون را حرکت داد ، مصر را بمصریان واگذار خواهد کرد ولی وء های او چون وعدهای عرقوب گردید و اکنون کہ زیاد از بیست و چهار سال است هنوز موقع آن نرسیدہ کہ دست از سر مصریہای بیچارہ برداشد ، خانہ عنان را بخود عنان تکویض کند بلکہ در چهار ماہ قبل کہ (اورد کرومر) نمایندہ دولت انگلیس از سفلی خود بواسطہ کسان مزاجی

استفتاء نادرہ عازم لندن میشد خطابہ در حضور اعیان و امراء مصر قرائت نمودہ مژدہ بانہا داد کہ قشون انگلیس در مصر توقف نخواهد کرد البتہ ماشاء اللہ یعنی تا آخر دنیا و یکبارہ آب پاکی هر دمت ہمہ ریخت کہ امید خلاصی را از خاطر بیرون کند و همین است حال فرانسہ در مراکش و هر کس تصور کند دیگر مراکش روی آزادی و حریت را خواهد دید چنان است کہ مردہ پوسیدہ همان زندہ شدن و بدنیہا مراجعت کردن نماید -

اما یک مطلب غامض قابل توجہی در اینجا هست کہ خواہش دارم عموم قراء لختی بتامل در آن نکرند و بکنہ مقصود ملتفت گردند بلکہ بنام رفع اغتشاش میشود قشون وارد کرد در چه صورت ؟ در صورتیکہ دولت اروپائی از دولت ضعیفہ آسیائی و افریقائی یک طلب معنی بہ داشته خوی از ورود خطر بر مالیه و زمین قسط قرض او را وسیلہ خوبی برای ورود قشون و کوبیدن سیخ تسخیر و تصرفی شود ولی در وقتیکہ بہیچ وجه طلبی ندارد و قرض ندادہ یا اگر ہم قرضی هست جرئی است کہ قابل اعتناء و لایق وسیلہ و دست اندازی نیست بہیچ وجه حق ندارد دخل و تصرف کند - پس اینکہ خائنان در استعراض اصرار داشتند و ما متصل منع از آن میکردیم بملاحظہ همین نکتہ بود درست است انگلیس قشون بمصر کشید لکن باید دانست کہ اسمعیل پاشا خدیو مصر مبلغ یکصد میلیون لیرہ کہ هزار کروہ پول ایران باشد قرض کردہ و اغلب آن وجوہ را صرف بخشش بی جا و تبذیرات بی موقع و ساختن قصور عالیہ و غیرہ و غیرہ نمود و تمام منابع ثروت دولتی از قبیل پست و

تلکرا و روا. آهن و کربکات و ... حتر ایلک خاواده
 خدیوی در رهن فرض روچل بوه بازار عهده رسانیدن
 فرض بر نیامد بلاوه. واجب قشون بنوعی عقب افتاد
 که چهار صد نفر صاحب منصب نظامی وزیر مالیه و داخله
 را برای حقوق خود نگاه داشت رسماً سربقتن بر آورند
 و عهده این فرض از انگلیس و فرانسه بود البته در این موقع
 اگر شورشی بر پا شود حق دارم خودی فرض را بهانه
 ورود قشون سازد هزار کرور تومان پول کمی نیست —
 ولی ایران بحمد الله چنین فرضی عهده ندارد که
 بتوان وسیله و دست آویز ورود قوه عسکر به نمود و
 این دو سه ملیون لیری صکه از بانک استقراری و بانک
 شاهنشاهی فرض نموده اند اصلاً قابلیت حری ندارند و
 هرساعتی ملت ایران میتوانند ولو بدادن آدمی یک تومان
 باشد این فرض را ادا نمایند ولی رنگی که نازکی ریخته
 بودند و شاید تاکنون نیز بدان خیال باقی باشند آنستکه
 جلو پول را گرفته می بول و مطلقاً را طوری عدم ایلوی
 سازند که همه کس تصدیق بر وجوب و لزوم استقراری
 بنماید پس یکدبانی ممتد به از دولین روس و انگلیس با
 شروط بسیار سخت که منجر شود به خاتمه دادن اساس
 استقلال ایران بام گرفته مثل وجوه ساقه تقسیم در
 بین یکمشت دزد قمت خوار خائن نمایند و فردا یا پس
 فردا که محل قسط خالی شود دولین بایک شدت فوق
 العاده همان طور که در مصر کردند مداخله نموده با هم
 تانین و رفع اغتشاش و انضباط عدلیه کلیه مهمان کشوری
 و لشگری را بدست گیرند —

و همان بلا را که بروز مراکش و مصر آورده اند
 بروز کار مانیز بیورند — آری بهمین ملاحظاتی بود
 که دو ماه متوالی بلکه زیاده رفان مهاجر که عصمت و
 ناموس ملت محسوبند در میدان تویخانه نحصن جسته
 برای ده هزار تومان آنها را مطلق میساختند واضح است
 که هر قدر دستک مالیه دولت تنگ باشد از ده هزار تومان
 انهم در راه حفظ شرف عاجز نبود پس این اقتضاح و سد
 قسم اقتضاح دیگر که در عرصه دوسه ماه رخ داد همه را نقطه
 مرکزی همان بود که نفوس عامه را برای ضرورت
 یک فرض جدید حاضر سازند افواج هر روز یک کدم گرو
 میگرددند و مطالبه وجوه مینودند ژاندارم و پلیس بیست
 واحد در کوچه و برزن مطالبه حقوق مینمودند و
 کسی معرض نمیشد فرستادن یک کوج را با ذریایجان اینقدر
 مطلق میکردند که از موقع میگذشت جملگی مبتنی بر
 همان اصل بود ولی بحمد الله تیر مراد بسنگ خورد
 و من صریح میگویم اگر ایران در اینحال تا کوار ۲۰
 ملیون لیری مفروض می بود استقلالش دچار خطری

بزرگی میکردید و بهیچ قسم صلاح ما نیست پیش از
 اجراء قوانین و تنظیم بلاد يك عیاهی فرض کنیم
 بلی وقتی مملکت را ترتیب صحیح دادیم آنوقت
 فرض تجزئی کردن مضر شاید نباشد

الحاصل آنکه این یکوسیله نیز امروز از برای
 روس و انگلیس موجود نیست پس باید بوسیله سیم
 متوسل شوند — وسیله سیم کدام است؟ آنستکه با هم
 حفظ حقوق تبعه و مصافقات مدرنخانهها و فونسلخانهها
 و غیره دست انداری نمایند — و ای اینراه از دمه
 راهها سهلتر و آسان تر است چند نفر ارازل را تحریک
 کردن و بیک فونسل خانه ریختن یا یک کشیش را کشتن
 کافی است — کشیشان ارو پائی هم که برای احداث
 فتنه خیلی زبر دست و چالا کند چنانکه ملک فرزند
 آسمان (چین) را بهمین حرکتی جزئی فرین
 اختلال کرده سفیر آلمان را بکشتن داده شش دولت
 متحد یکدفعه حمله بر پکن نمودند و شد آنچه شد که
 خاتمه اش جنگ خونریزانه مانچوریا بین روس و ژاپون
 و کشتن زیاد از دو کرور نفوس بشری کردید —
 اهالی ایران طبعاً نجیب و آرام هستند و با مسافری
 و اجانب که حکم مهمان دارند با یک سلوک خوب مقولاً
 نه رفتار میکنند مع ذلك هرگز دولت و ملت نباید غفلت
 کرده میدان بحریف بدهند تا سگته بر سفین ملیت و استقلال
 ما وارد آورند

— بتایر اینها امروز برای روس و انگلیس خیلی
 اشکال دارد دست تعدی بسمت ما دراز کنند ولی حری
 در اینست که بلیک يك کتابی است که اوراقش منحصر یکی
 و دوتا نیست و هرساعت یک کونکی تازه پیدا میکنند
 و چاره اشرا جز بیداری ملت و دولت نمیتوان
 کرد و ما که خود را راهنمای ملت و خیر خواه قوم ایران
 میدانیم بقدر فهم خود در اینتقام تکالیف دولت و ملت را
 معین میکنیم و طریق جلو گیری از این سیل پر خطر را
 تا اینجا که عقل مان حکم میکند پمرض میرسانیم ولی امروز
 وقت گذشته است خوب است مقاله را ختم کرده بقیه را در نمره
 آتی مفروض داریم بای دارد

خلاصه مذاکرات مجلس در الشوری

(عنبه ۳ رمضان)

در خصوص کتابچه میزبانی علمی صکه وزیر مالیه
 ساق بمجلس آورده بودند مذاکره بمیان آمد که الاری
 از این میزبانی بظهور نرسید خوبست وزیر مالیه نگذارد
 که این مسئله معوق بماند زیرا که خیلی اهم و لازمت
 گفته شد که مشغول خواهند شد و باید چند کمیسیون

برای رسیدگی باین مطلب همین هوند کاغذی از مشیر دیوان از کردستان قرائت شد، مشربودبر شکایت وتظلم از شاهزاده سالار الدول و مطالبه رسیدگی و احقاق حق و پس گرفتن اموال و املاک و وجوهی که از ایشان گرفته است گفته شد که باید رجوع به لیه شود لایحه از جناب شرف الدوله قرائت شد که مبنی بود بر اینکه عزل حکام بدون ثبوت تصمیم موجب هنگ شرفی خواهد بود و باید که تصمیمات همین و معلوم باشد در صورتیکه وزیر اکرم در حکومت کیلان تصمیمی از اوسر ترده است بجهت فاعده او را عزل و دیگر بر جای او نصب میکنند بعضی اظهار داشتند که شکایت و تصمیم در حکومت ایشان دیده نشده ولی هنوز بازار ر شو و بیع و هر ای مشاغل و مناصب رواج دارد بعضی اظهار داشتند که هنوز عزل ایشان معلوم نیست و در صورت معلوم بودن هم صرف عزل دلیل بر بی شرفی نخواهد شد باید بشکل دیگر بخواهند برقرار نمایند در هر حال باید تحقیق این مطلب را از وزارت داخله خواست در خصوص مالیات آذربایجان و فارس مذاکره شد که این دو حکومت خود را مسئول مالیات نمر دانند و وزیر مالیه هم میگوید من مسئول نیستم گفته شد که حکم امسال مثل سایر سنوات مالیات را در عهد گرفته اند و مسئول مالیات هستند بیش و زیر مالیه و وزیر مالیه هم مسئول مجلس است هرگاه نمی تواند استعفا بدهد قرار شد که وزیر مالیه و وزیر داخله را بخواهند و در این باب مذاکره شود و گفته شد که هرگاه این دو حکومت خیال آمدن بیای تخت برای مناصب عالیه میخواهند استعفا بدهند باید گفت که کلیه استعفا از مشاغل دیوانی بدهند و دیگر باین خیالات نیشود که بمناصب عالیه نایل شد لایحه از انجمن سعادت قرائت شد که مبلغ پنج هزار تومان برای بانک ملی دادند گفته شد که بعضی تشویق و اظهار تشکر جوابی بانجمن سعادت نوشته شود در خصوص مدیر و رئیس بانک ملی مذاکره شد که از خارجه خواسته بودند گفته شد که وزیر امور خارجه اظهار داشت که مستخدمی خواستیم هم برای بانک و هم برای ترتیب امور مالیه قانون وزارت تجارت در دفعه اول قرائت شد و قرار شد که قانون عدلیه را هوازده نفر در کمیون ملاحظه و غور رسی نموده بعد از آن چاپ کرده تمام وکلا داده بمجلس بیاید در باب حقوق مردم مذاکره بمیان آمد که باید فکری در باره اینها نمود جناب رئیس اظهار داشتند که از برای حقوق مانده یار ساله قرار شد تومانی پنج هزار داده و همین دوروزه مشغول خواهیم شد و برای حقوق امسال هم این چند روز دستور العمل و کتابچه از کمیون مالیه

خواهند بیرون آمد انهم بزودی اصلاح خواهد شد در خصوص آن در ماده که از قانون وزارت داخله مانده بود قرار شد که چند نفر از وکلا پیش از وقت در آن مذاکره بعمل آوردند فردا بمجلس آمده تمام شود بعد از آن قانون انتطاعات تصحیح شود و همچنین قانون مجلس سنا که همه روز مجلس بر حسب وظیفه خود مشغول قرائت قوانین باشد (مجلس ختم شد)

(اعلان از طرف مجلس مدرس شرفی ملی)

چون آراء مجلس دارالشورای ملی متوجه اصلاح امور مملکتی و انتظام ادارات دولتی و ترتیب امور وزارتخانهها و استقلال حکام عدل و تامین طرق وشوارع و اهتدای مقلوبین و رفاهیت عموم است و باید و کلاهی مجلس را فراغت خطری باشد که بتواند اوقات خود را صرف اصلاح امور مهمه نمایند و مشروحات متظلمانه که از ولایات بمجلس میرسد بعد از آنکه با کمال دقت بمطالب آنها تحقیق و رسیدگی میشود معلوم میگردد که اغلب یا بعض مطالب آنها بی اصل و بر خلاف واقع و عمل باغراض شخصی بود یا در حکومت محلیه مرض عارض رسیدگی و بجهت حکم شده چون آن حکم مخالف میل محکوم علیه بوده بعضی القاء شبهه همان مطلب فیصل شده را اهمیتی داد بمجلس اظهار تجدید نظر نمود و بلاجهت وقت و کلا را مضیق داشته است بنا بر این در تمامی ممالک محروسه ایران بموم اشخاصی که خیال نظام بمجلس دارند اظهار و اعلام میشود هرگز در مرکز دار الخلاله تظلمی است مطلب او راجع بهر وزارتخانه و اداره و محکمه رجوع و مطلب خود را اظهار و تظلم نماید چنانچه مطالب اظهاریه او کما بینی رسیدگی و بعدالت حکم نشد آنوقت حق دارد که بمجلس تظلم نموده احقاق حق خود را بخواهد و مجلس کمال اهتمام را در انجام مرام او مبذول خواهد داشت و اگر خارج از مرکز است باید اول بلا واسطه شرح حال خود را بحکومت محلیه ابر از دارد اگر مساعدتی از حکومت مزید در ثانی بتوسط انجمن ایالتی و ولایتی در ترد حکومت تجدید تظلم نماید اگر باز هم از طرف حکومت تسامح و تملل یا تجاوز و تخطی شد آنوقت مشروحه متظلمانه خود را بمهر انجمن ولایتی رسانیده بمجلس برسد و تظلمات خود را مبسوطاً شرح دهد تا وکلاء عظام با کمال اطمینان در رسیدگی مطالب و احقاق حق او اقدام و اهتمام نمایند و باید مشروحه متظلمانه خود را مهر و صریحاً امضا نماید و آدرس محل و مکان و تفرقه شخصی خود را هم مبسوطاً مرفوم

دارد که و سکالای مجلس در طریقه ارسال و ابصال
جوار مشروطه او بصیرت یابد و با نهایت سعی و اهتمام
موظایف تکلیفیه خود ادا نماید

(مکتوب از تبریز)

چند روز قبل مختصری راجع بمداخله دول
محضور مبارک عرض کرده بودم اینک به تشریح و توضیح
مطلب میپردازم خوبست قبل از شروع باصل مطلب
متذکر این چند نفر فردوسی شوم :

(درختی که تلخ است ویرا حرمت)

(سگش بر نشانی ییغ بهشت)

(سرانجام گوهر بکام آورد)

(همان میوه تلخ باز آورد)

امروز مسئله سرحدی ایران عثمانی آنقدر
اهمیت پیدا کرده که احتمال دارد بجای نازک بگردد
یعنی محتمل است که این مختصر نزاع بجنک رسمی
مبدل گردد ... مقصود و مداخله دول بود بلی . از
هموطنان عزیز میپرسم پس چرا تا پارسل این وقایع
در میان نبود ؟ چنانکه به مجرد اعلان مشروطیت
این دولت اسلامی یا مرغ شکاری دول اروپا پاران حمله آورده
مقصود برهم زدن مجلس بود ! فتصاحب یران بود !
بنده باور نمیکنم عقیده من بر این است که این کار تحریک آلمان
یا روس بوده (کدام یکی نمیدانم)

دولت روس چنانچه همه میدانیم بی بهانه میگردد
که ایرانرا برای لشکر خود جنة قرار دهد و در حق
لتروم بزند حمله آورد . تا مشروطیت و قانون در ایران
نیبود بهانهشان این بود که باید ملت وحشی را متمدن کنیم
از اینطرف انگلیس مجبور شده و در ایران نیز مانند
شود یا طوری کند که ایرانیان بیدار شده نگذارند وطنشان
گذرگاه سپاه روس شود . این بود که استقلال ایران را
صلاح دانست . سر کوشی گفتند که شما را قانونی لازم و
بجمله اجرای آن مجلس شورائی باید داشته بشود (ماهها
سر خود بیدار نشدیم بعضی چون چنین میدانند عرض شد)
لهذا ملت نیز اسم حقوق شنیده از شاهنشاه و پدر
سهربان خود مظفر الدین شاه اذن تشکیل پارلمان خواستند
آن شاه رضوان جایگاه نیز بدون قائل استدعای رعایای
خود را قبول فرمودند .

دولت روس چون این قضیه تا بهنگام دید مجبور
شد که در صدد جلوگیری از بیداری ایرانیان بر آید
هر چه تواند بکار برد ولی خوشبختانه مشرئمری نشد
(بنده عقیده ام بر اینست و گرنه بطور بدین نمیگویم) اما
پس از فکر و اندیشه بسیار مانند ارشدینس دست پیشانی
زده گفت : « پیدا کردم » و فوراً عثمانیان را بر ضد ما

بر انگیخت باین خیال که اینان مشغول رفع غائنه میشوند
یا اغفالشان میکنم و در هر دو صورت بهانه در دست دارم
یا : « اغتشاش مملکت و سبانه داوطلبی اینست » یا « وحشت
و اشاعه مدنیست » . لابد یکی از این دو خواهد شد آنوقت
کارم بکام خواهد شد عهدنامه جدید روس و انگلیس چون
معلوم نیست مقصود از او چیست ولی همیشه در میتوان
گفت برای تقسیم مملکات است .

اگر هموطنان کرامی قدری احوال نکنند شاید بتوانم
جسد مجروح وطن را معالجت نمائیم ولی بیم آنست که
پس از این فراموش نموده بدست اطبای اروپائی بیارند آن
وقت دکتر روسی و دکتر انگلیسی هر کدام يك تیبی بر
میدارند و بیبهاه صد از میانش میبرند

مختصر باید آماده دفاع شد ، فراموش نشود که
جنگ ما با عثمانی خیلی بیجا و صالح اولی است . در روز
از يك نفر رعیت روس میپرسم آخر بچه دلیل مداخله
دول حارخه لازم آمده است ، در جواب میگویی
دولتی که نتواند در دو فرسخی چند هزار مخالف را
تنبیه کند چگونه میتواند در کرمان رفع اغتشاش نماید
در اینجا هم فلم از نوشتن عنبر آورد : منم بعد از کمی مالم بخواه
بخود گفتم ، یا لیت مت قبل هذا و حکمت نسیا نسیا
و بیفوش شدم :

گر

(ای بسا دل که بخوابه منقش گردد)

اگر قدری بخرد آندم بتدریج بعضی مطالب عرض خواهیم کرد .
(امضاء محفوظ)

(اعلان)

خیابان علاءالدوله در عکاسخانه روسی خان عکاس مقابل
خانه امیر نظام هه شب از یکساعت و نیم از شب گذشته تاغش
ساعتی پردهای نوظهور ممتاز بعمل سینوما توگرافی که
عکسی محترک تازه ترین اختراعات است تماشا میدهد مدت
تعمنا تقریبا یکساعت است و همه شب پردهای آن تجدید
خواهد شد مقدم آقایان عظام را با کمال احترام می پذیریم
بلیطهای واردین دو قران و سه قران است

(اعلان)

د کتر استپانیان حکیم مخصوص دندانسازی اعلیحضرت
همایونی در خیابان علاء الدوله رو بروی خانه امیر نظام
کارخانه دندانسازی خیلی ممتاز و مکمل باز نموده و قبول
می نماید همه جور ناخوشیهای دندان را معالجه نماید بطرز سبک
امریکائی و همه روز صبح از ساعت هشت الی دوازده فرنگی و بعد از
ظهر از ساعت دو الی شش فرنگی در محل معروض
برای رجوع کنندگان حاضر است

(حسن الحسینی الکاشانی)